



تبیین ابعاد حقوقی حق بر سلامت از منظر حقوق بشر

نگار خدائی نژاد

دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران

negarxodaie@gmail.com

رضا زمانی

دانش آموخته کارشناسی ارشد، رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران

Rezazamani1605@gmail.com

جعفر ارجمند دانش

استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران (نویسنده مسئول)

Ja_danesh@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: سلامت و حق برخورداری از بالاترین استانداردهای قابل حصول سلامتی یا حق بر سلامتی یکی از مهم ترین حق های بشری می باشد، که همواره در اسناد حقوق بشری بر اهمیت آن توجه شده است.

روش تحقیق: در پژوهش حاضر نگارنده بر آن است با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با کمک گرفتن از ابزار کتابخانه ای به بررسی و واکاوی ابعاد حقوقی حق بر سلامت از منظر حقوق بشر و اسناد بین المللی بپردازد.

یافته ها: برخورداری از سلامت فیزیکی، روانی، اجتماعی و معنوی باید در دسترس همه افراد جامعه باشد زیرا برخورداری از خدمات بهداشتی درمانی با هدف ارتقاء، حفظ و تأمین سلامت افراد رکن اساسی در جهت پیشرفت جوامع بین المللی شناخته می شود.

نتیجه: پر واضح است که سلامت فردی، به عنوان یکی از مهمترین مولفه های کرامت هر انسانی محسوب می شود. از این روی حق بر سلامتی یکی از حقوق بنیادین بشری در نظام بین المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. آنچنان که حق بر سلامت جایگاه استواری در اسناد حقوق بشری و عرف بین المللی دارد و می توان آن را در شمار اصول کلی پذیرفته شده نظام های حقوقی توسعه یافته دانست، این حق در شمار حقوق نسل دوم حقوق بشری بر شمرده شده است

کلید واژه ها: حق بر سلامت، حقوق بنیادین، حقوق بشر، اسناد بین المللی



مقدمه

نظام حقوق بشر در تحلیلی نهایی به مقوله‌های واحد به نام حیات بشری می‌رسد. حیات انسان ارزشمندترین دارایی اوست و طبیعتاً صیانت از این دارایی بی‌همتا، یکی از ضروریاتی است، که درعین حال مسائل گسترده‌ای را به هم پیوند زده است. یکی از این موضوعات که با حیات انسان، انس والفتی دیرین گزیده است، مسئله ی سلامتی اوست، سلامتی انسان ها از جمله لوازم اولیه ی برخورداری از حیاتی شرافتمندانه محسوب می‌شود.

پر واضح است که حق بر سلامتی در رابطه ای دو سویه و متقابل با دیگر حق ها ی بشری قرار دارد و می توان آن را حلقه ی ارتباطی میان نسل های مختلف حقوق بشر قلمداد کرد. به واقع این حق در پیوندی ناگسستنی با حق حیات نسل اول قرار دارد و از سویی دیگر با حق بهداشت و تأمین اجتماعی نسل دوم گره خورده است. علاوه براین، حق بر محیط زیست سالم که در نسل سوم حقوق بشر قرار دارد نیز از سرچشمه ی حق بر سلامتی سیراب می‌شود بنابراین حق بر سلامتی یکی از حقوق بنیادین بشری شناخته می‌شود که برای استیفاء سایر حق ها ضرورت دارد (جاوید، نیاورانی، ۱۳۹۲: ۴۸)

بنابراین هرچند که سلامتی و بهداشت فردی مفهومی ذهنی و مبهم داشته باشد، اما عاملی مهم در رفاه و کرامت انسانی است. با توجه به اهمیت حق بر سلامتی تجلی این مهم در اسناد بین المللی در منشور ملل متحد است. با آنکه منشور صراحتاً سخنی از حق بر سلامتی به میان نیاورده است، اما (بند الف) ماده ۵۵ منشور، آن سازمان را ملزم به ارتقای استانداردهای بالاتر زندگی و یافتن راه حل های مسائل بین المللی مربوط به سلامتی می‌نماید. دومین انعکاس حق بر سلامتی در اسناد بین المللی، اساسنامه سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۴۶ است. در سال ۱۹۴۶ برای نخستین بار حق بر سلامتی در اساسنامه مورد شناسایی قرار گرفت. همچنین در مقدمه (WHO) سازمان جهانی بهداشت این اساسنامه آمده است که بهره مندی از بالاترین استاندارد قابل حصول سلامتی، یکی از حق های بنیادی هر انسانی است و سلامتی ملت ها برای دستیابی به صلح و امنیت جنبه بنیادی دارد. به دنبال اساسنامه ی سازمان جهانی بهداشت، اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب (۱۹۴۸) در بند ۱ ماده ۲۵ سلامتی را در زمره ی حق بر بهره مندی از استانداردهای مناسب زندگی قرار داد. اما روشن ترین و کاملترین بیان از حق بر سلامتی در اسناد بین المللی، در میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ یافت می‌شود

بند ۱ ماده ۱۲ این میثاق با الهام از اساسنامه سازمان بهداشت جهانی مقرر می‌دارد که: دولت های عضو میثاق حق هرکس را به تمتع از بهترین حال سلامتی و روحی ممکن الحصول به رسمیت می‌شناسند. و بند ۲ ماده ۱۲ در ادامه به اقداماتی که باید از سوی دولت های عضو در تحقق کامل حق سلامتی اتخاذ شود اشاره می‌نماید. حق سلامتی همچنین در اسناد حقوق بشری دیگر هم جایگاه برجسته ای دارد مانند ماده ۵ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض نژادی، ماده ۱۲ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، ماده ۲۳ کنوانسیون حقوق کودک. ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر صراحتاً به حق بر سلامتی اشاره نموده است. در این ماده آمده است: الف) هرکس حق دارد که سطح زندگی او، سلامتی و رفاه خود و خانواده اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبت های طبی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند و همچنین حق دارد که در مواقع بیکاری، بیماری، نقص اعضا، بیوه گی، پیری، یا در تمام موارد دیگری که به علل خارج از اراده انسان، وسایل امرار معاش او از بین رفته باشد از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار شود. ب) مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت مخصوصی بهره مند شوند. کودکان چه بر اثر ازدواج و چه بدون ازدواج به دنیا آمده باشند، حق دارند که همه از یک نوع حمایت اجتماعی برخوردار شوند. با تلاش سازمان جهانی بهداشت و سایر نهادهای بین المللی، اسناد و معاهدات بین المللی دیگری نیز در سطوح ملی و بین المللی درخصوص حق بر سلامتی به تصویب رسید.

در سال ۲۰۰۰ میلادی کمیته ی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عنوان مرجع صالح برای تفسیر میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تفسیر کلی ماده ۱۲ قلمرو تعهدات دولت ها را برای ارتقای حق بر سلامتی شرح داده است (آل کجاف، ۱۳۹۲: ۱۴۸). از این روی حق بر سلامتی یکی از حقوق بنیادین بشری در نظام بین المللی حقوق بشر به



رسمیت شناخته شده است. آنچنان که حق بر سلامت جایگاه استواری در اسناد حقوق بشری و عرف بین المللی دارد و می توان آن را در شمار اصول کلی پذیرفته شده نظام های حقوقی توسعه یافته دانست، این حق در شمار حقوق نسل دوم حقوق بشری بر شمرده شده است بر این اساس در پژوهش حاضر نگارنده بر آن است با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و با کمک گرفتن از ابزار کتابخانه ای به بررسی و واکاوی ابعاد حقوقی حق بر سلامت از منظر حقوق بشر و اسناد بین المللی بپردازد.

۱- مفهوم شناسی حقوق بشر

حقوق بشر که به زبان فرانسه *droits de homme* و به انگلیسی *Human Rights* و به عربی حقوق الانسان نامیده شده است. طبق نظریه مکاتب آزادیخواه عبارت است از حقوقی که لازمه طبیعت انسان است، حقوقی که پیش از پیدایی دولت وجود داشته و مافوق آن است و بدین جهت دولت ها باید آنرا محترم بشمارد. مجموعه حقوقی که به سکنه یک کشور اعم از بیگانه و تبعه در مقابل دولت داده می شود، در مساله حقوق بشر امر تابعیت نباید دخالت داده شود زیرا این حداقل حقوقی است که انسان در هر کجا که هست باید دارا باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳: ۲۳۱).

تعریف واحدی از مفهوم حقوق بشر ارائه نشده است و توافقی در این مورد وجود ندارد و این مفهوم بارها بازتعریف شده و در هر دوره، مکتب و صاحب نظری از منظر خود به این موضوع نگریسته و چارچوب آن را تبیین کرده است. به بیان کلی «حقوق بشر» حقوق بنیادین و انتقال ناپذیری است که برای حیات نوع بشر، اساسی دانسته می شود؛ یعنی مجموعه ای از ارزش ها، مفاهیم، اسناد و سازوکارها است که موضوعشان حمایت از مقام، منزلت و کرامت انسانی است. (ذاکریان امیری، ۱۳۸۰: ۱۹۲).

تعریف های دیگری هم از حقوق بشر ارائه شده است که در ذیل می آید:

دیدگاه فلاسفه: «مجموعه ای از اصول پذیرفته شده ای که از طبیعت انسان ناشی شده و ذاتی بشر تلقی می گردد» البته منظور از دیدگاه فلاسفه این نیست که همه فیلسوفان، حقوق بشر را این گونه تعریف کنند؛ بلکه این تعریف سرشت فلسفی دارد.

دیدگاه جامعه شناسان: مجموعه قواعد شناخته شده ای که در رابطه با رشد شخصیت انسان ضروری و دارای نقش حیاتی است.

دیدگاه حقوق دانان و سیاستمداران: مجموعه ای از اصول و قواعد کلی که به مثابه حقوق مدنی و جهانی حقوق اساسی، ملت ها را، چه در میان خود و چه در بین مردم یک کشور، برای تأمین آزادی، صلح و عدالت در روابط دوستانه، تضمین و تأمین می نماید.

دیدگاه اسلام شناسان: مجموعه ای از اصول برخاسته از فطرت انسان که با دو ویژگی در عرصه زندگی او ظاهر می شود: یکی نیازهای درونی ذاتی و دیگری استعداد بی کران رشد و تعالی. (محمودی، ۱۳۸۵: ۱۸-۲۱).

از منظر غرب انکار حقوق بشر و آزادی های اساسی نه تنها یک تراژدی فردی و شخصی است، بلکه موجب اوضاع ناآرام اجتماعی و سیاسی می گردد و تخم خشونت و تخاصم را در درون اجتماعات و ملت ها و در بین آنها می کارد. همان طور که جمله نخست اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می نماید: احترام به حقوق بشر و شأن ذاتی انسانی، زیر بنای آزادی، عدالت و صلح در جهان می باشد. حقوق بشر را می توان حقوقی بنیادین و انتقال ناپذیر نام برد، که برای حیات نوع بشر اساسی تلقی می گردد از جمله حق حیات، حق کرامت، حق تعلیم و تربیت، حق آزادی، حق مساوات در برابر حقوق و قوانین. برخی از نویسندگان تاریخ حقوق بشر را به دو هزار سال قبل از میلاد نسبت می دهند و برخی دیگر نیز اعتقاد دارند که در اواسط قرن بیستم یعنی چهار هزار سال بعد حقوق بشر قابل درک است.

اندیشمندان فراوان و مکاتب گوناگون در طول تاریخ (دوران های باستانی، قرون وسطا، جدید و معاصر) با تصاویر متفاوتی از جامعه انسانی همچون جامعه طبیعی و جامعه مدنی و ... به بحث و بررسی پیرامون جایگاه انسان و حقوق مترتب بر آن پرداخته اند که به ترتیب ذیل قابل بررسی است:

۱- اولین متن حقوقی ای که در روابط انسانی و مرتبط با حقوق بشر نوشته شده است مربوط است به قانون حمورابی که حدود ۱۷۳۰ قبل از میلاد در ۲۸۲ ماده تدوین شده است. برخی از این مواد به ارائه رفتارهای منصفانه می پردازد و در عین حال



بعضی از اعمال را نظیر آنکه «نباید کسی را کشت» یا «نباید کسی را مورد تجاوز قرار داد» ممنوع اعلام می دارد. گفته می شود مفاد این قانون مانند شریعت حضرت موسی (ع) از آسمان نازل شده است.

۲- نخستین اعلامیه حقوق بشر در جهان توسط کوروش کبیر موسس سلسله هخامنشی (۵۵۹-۵۲۹ ق م) صادر شده است او از جمله پادشاهانی به شمار می رود که نام او، در مقابل با بدی ها و اصلاح امور، در تاریخ به نیکی یاد شده و رفتار او را پیامبر گونه می دانند برخی اعتقاد دارند کوروش همان ذوالقرنین است که در کتاب آسمانی قرآن از آن ذکر شده است. (طباطبایی، ۱۳۶۶: ۶۵۸-۶۶۴).

اصول حق های پایه ای حقوق بشر عبارتند از: حق تعیین سرنوشت: منشور ملل متحد در بند ۲ ماده ۱ خود چنین ذیل مقاصد سازمان بیان می دارد "توسعه روابط دوستانه در روابط بین الملل بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل و انجام سایر اقدامات مقتضی برای تحکیم صلح جهانی". حق خودمختاری یا تعیین سرنوشت - فارغ از تفاوت های جزئی آنها - در نظام حقوق بین الملل بشر به عنوان اصلی اولیه شناخته شده است که بدون احترام به آن صلح پایدار جهانی امکانپذیر نخواهد بود. (ضیایی، بی تا: ۵).

کرامت و حیثیت انسانی: احترام به انسان در طول تاریخ موضوع قابل توجهی بوده است. چه احترام به گوهر انسانی و چه حرمت به کالبد انسان. در جوامع اسلامی از این حرمت به عنوان کرامت انسان یاد می شود. هر فردی به صرف انسان بودنش دارای ارزش و احترام والایی است و هیچکس حق توهین به او را ندارد. در جوامع اسلامی این کرامت به دو دسته تقسیم می شود: کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی. کرامت ذاتی را هر انسانی صرف انسان بودنش داراست و بر همه مردم است که آنرا ارج نهاده و تزییع نکنند. کرامت اکتسابی نیز به مرور زمان قابلیت اکتساب به وسیله هر فردی را دارد و حقوقی است که به واسطه پذیرش پوشش اجتماعی، سیاسی یا دینی و فرهنگی خاص، فرد از آنها برخوردار میشود. برای تحقق بخشیدن و حفظ همین کرامت است که حقوق بشر پا به عرصه وجود میگذازد. حقوق بشر، حقوقی هستند که انسان به صرف انسان بودن و به مثابه موجود زیستی، آنها را داراست. رابطه تعلق بین این حقوق و افراد ناشی از علل خارج از اراده بشری است، و تمتع از این حقوق نه تنها در ذات بشر نهفته است، بلکه لازمه زیست طبیعی وی به عنوان یک انسان است. (ساعد، ۱۳۸۳: ۳۰).

اصل آزادی: دهم دسامبر ۱۹۴۸ م، اعلامیه ای به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید که امضا کنندگان آن، وحدت اعضای خانواده بشری، کرامت انسانی و شناسایی حقوق ناشی از آن را اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان می دانستند و ایجاد جهانی را که در آن، افراد بشر در بیان عقیده خود، آزاد و از ترس و فقر رها باشند، به عنوان بالاترین آرمان و آرزوی بشری اعلام کردند. این اعلامیه، در سی ماده تدوین شده است که حدود نیمی از آنها به آزادی های بشری اختصاص دارد و برخی از بندهای دیگر نیز به نحوی به مسائل آزادی مربوط می شود.

ماده ۱۸ و ۱۹ بیان می دارد که هر کس، آزادی مطلق در بیان و عقیده و اندیشه دارد. ماده ۱۸ تصریح می کند: «هر کس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و هم چنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان می باشد و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است. هر کس می تواند از این حقوق منفرداً یا مجتمعاً به طور خصوصی یا به طور عمومی برخوردار باشد» (داودی، ۱۳۹۲).

۲- خاستگاه های حقوق بشر

۱-۲. دین

آنچه مسلم است اصطلاح «حقوق بشر»، مفهومی نسبتاً جدید است. بنابراین، بطور قطع می توان گفت که چنین عبارتی در ادیان سنتی و شناخته شده وجود ندارد. با این وجود، الهیات مبنایی برای نظریه حقوق بشر ارائه می دهد که از قانونی برتر از قانون دولت نشأت می گیرد و سرچشمه آن خداوند متعال است.



در توضیح مبنا بودن دین برای نظریه حقوق بشر می توان گفت در همه ادیان، انسان موجودی ارزشمند، باکرامت و به عبارتی مقدس نگریسته شده است. در عهد عتیق آمده است که آدم در «صورت الهی» آفریده شده است و این یعنی موجودات انسانی مهری الهی بر پیشانی دارند که ارزش والائی به آنها می بخشد. قرآن هم در این زمینه می گوید: و به راستی که ما به فرزندان آدم، کرامت بخشیدیم. از دیدگاه ادیان همه انسانها در این که آفریده خداوند هستند شریکند و به عبارتی خلقت الهی به وجود بشریتی مشترک می انجامد. اشتراک در خلقت و آفرینش، به جهانی بودن برخی حقوق که از منبعی ملکوتی سرچشمه می گیرد منتهی می شود. این حقوق نمی تواند با قدرتی زوال پذیر و اقتداری دنیوی، از انسان سلب شود. این مفهوم در سنت یهودی، مسیحی و نیز در اسلام و سایر ادیانی که مبنای الهی دارند یافت می شود.

۲-۲. حقوق طبیعی

مفهوم «قانون طبیعی» ریشه در آثار فلسفی یونانیان باستان دارد. این مفهوم یکی از مهم ترین و بنیادی ترین مفاهیمی است که یونانیان قدیم به بحث درباره آن علاقه مند بودند. سابقه طرح مباحث مربوط به میراث قانون طبیعی به قرن ششم پیش از میلاد مسیح، یعنی زمان شروع بحث های عقلی در آتن، برمی گردد.

تمایز میان قوانین بشری از یک سو، و قانون های منطبق بر طبیعت یا صادر شده از اراده ربّانی از سوی دیگر، در آثار یونانیان باستان به چشم می خورد، هر چند رویکرد غالب در آن زمان، درباره قانون عبارت بود از: ارائه تفسیری هماهنگ با سنت اجتماعی. به بیان دیگر، قانون عبارت بود از: بیان رویکردی که مستند به آداب و رسوم باشد. مسلماً چنین تفسیری از مفهوم «قانون»، متأثر از اصول و قواعد عقلی نیز می بود. علاوه بر این مهم آن چه پرداختن به مبحث حقوق طبیعی را در این پژوهش اهمیت می بخشد، این نکته است که حقوق طبیعی در واقع بنیان حقوق بشر در معنای امروزی اش را تشکیل می دهد حقوق بشر مجموعه حقوقی است که، بر اساس نظریه ی حقوق طبیعی به موجب قانون طبیعی یکسان به افراد بشر داده شده و جزء ذاتی و جدایی ناپذیر موجودیت انسانی آن ها به شمار می آید و نهادهای حقوقی و قضایی (داخلی و بین المللی) می باید از آن دفاع کنند و در اعلامیه ی ۱۷۷۶ استقلال آمریکا اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹ فرانسه حقوق بشر بر مبنای حقوق طبیعی جلوه گر شد. همان گونه که در منبعی دیگر آمده است در این قرن، زبان و اصطلاح حقوق بشر، به صورت گسترده ای، جایگزین زبان و مفهوم حقوق طبیعی گردیده است. اصطلاحی که کم تر موضوع سوء تفاهم و اختلاف بوده است. (جونز، ۱۲۵) و از نظر تاریخی، نظریه ی حقوق بشر از نظریه ی حقوق طبیعی متأثر شده است. بنابراین، اهمیت بررسی حقوق طبیعی، از همین جاست که روشن می شود: حقوق بشر امروزین شکل تحول یافته ی حقوق طبیعی است پس پرداختن به حقوق بشر، بدون توجه به نظریه ی حقوق طبیعی، نارسا و ناقص خواهد بود.

در تعریف حقوق طبیعی آمده است: حقوق فطری یا طبیعی، قواعدی است که از سرشت و آفرینش انسان و جامعه به وجود آمده است. یا بنا بر قولی دیگر قوانینی است لایتغیر که پروردگار دانا و توانای جهان، به حکمت بالغه ی خود، مقرر نموده است همچنین در تعریفی دیگر از این مفهوم نوشته شده است حقوق طبیعی عبارت است از یک سلسله حقوق ازلی، ابدی، لایتغیر، غیر قابل انتقال و غیر قابل تجزیه ای است که مشمول مرور زمان نمی شود و عموم افراد بشر را بدون هر گونه تمایز نژادی، جنسی، رنگ و پوست، موقعیت اجتماعی و ثروت شامل می شود (هاشمی، ۱۷۷) اندیشه ی حقوق طبیعی، آن گونه که نویسنده ی دانش نامه ی سیاسی می گوید پیشینه ی دیرینه در تفکر اروپایی دارد، و حقوقی است که بر حسب قانون طبیعی به افراد داده شده و ناگزیر مشروط تغییر ناپذیر است و به کسی دیگر نمی توان واگذار کرد، و معمولاً بر آن اند که برای همه ی افراد بشر یکسان است (آشوری، ۳۷)

بنابراین می توان نتیجه گرفت که حقوق طبیعی عبارت است از حق هایی نظیر حق حیات و حق آزادی که به حکم قانون طبیعت به هر فرد انسانی تعلق دارد و نمی توان از وی سلب کرد. این نوع حقوق را به اعتبار این که از سرشت و فطرت انسان جدایی



ناپذیر است، حقوق فطری دانسته اند و به اعتبار این که عادی ترین حقوق است، آن را حقوق طبیعی نامیده اند. حق طبیعی که لازمه شخصیت بشر و احترام به وی می باشد حداقل حقوقی است که انسان برای برخورداری از یک زندگی شرافتمندانه به آن نیازمند است (میرموسوی و حقیقت، ۱۳۹۱: ۱۱۶)

با توجه به این تعریف حقوق طبیعی از ویژگی لایتغیر، ازلی، ابدی و جهانی بودن برخوردار است و بر حسب مکان و زمان قابل تغییر نمی باشد به این معنا که اعتبار این حقوق توسط انسان وضع نمی گردد (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۷۵) بلکه قوانین موضوعه باید در انطباق با این حقوق باشند بنابراین در حقوق طبیعی، تمامی حقوق انسانی باید مبتنی بر قوانین : انسانی باشد که جملگی آنها نیز در حقوق و در قوانین طبیعی خلقت انسان ریشه دارند این دسته از حقوق از آغاز با بشر همراه بوده و دانشمندان در طول قرون و اعصار در صدد کشف آن ها بوده اند (جاوید، ۱۳۸۷: ۱۶)

۳- مفهوم شناسی حق بر سلامت

بهداشت و سلامت از ارکان اصلی و اساسی نظام حقوق بشر است و براساس موازین بین المللی حقوق بشر، همه موجودات انسانی از ارزش یکسانی برخوردارند بنابراین باید از حمایت های یکسانی نیز بهره مند گردند و به شأن و کرامت انسانی و تمامیت جسمانی آنها احترام گذاشته شود.

بر این اساس تمام حقوق حقه ی بشری به یک قاعده بنیادین به نام حیات انسان می رسند و برخورداری از حداقل های بهداشتی، لازمه حیات و حیثیت ذاتی انسان به شمار می روند و عدم برخورداری از این حداقل ها به منزله انکار والاترین ارزش های انسانی است. پس حق داشتن بهداشت و سلامتی را می توان حق بنیادین بر اساس اسناد حقوق بشر قلمداد نمود. (عباسی، ۱۳۹۴: ۱۳۵) آنچنان که حق بر سلامتی در میان انواع حقوق بشر از اهمیت بالایی برخوردار است در ادبیات حقوق بین الملل بشر، حقوق مدنی و سیاسی به عنوان نسل اول، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مقوله نسل دوم حقوق بشر جای گرفته اند. حق بر سلامتی در پیوندی ناگسستنی با حق حیات (نسل اول حقوق بشر) قرار دارد و از سویی دیگر با حق بهداشت و تامین اجتماعی نیز گره خورده است علاوه بر این حق بر محیط زیست سالم که در نسل سوم حقوق بشر قرار دارد همچنین از سرچشمه حق بر سلامتی سیراب می شود به این ترتیب حق بر سلامتی را می توان حلقه ارتباط نسل های مختلف حقوق بشر قلمداد نمود (زمانی، ۱۳۸۵: ۳۰)

با توجه به اینکه سلامتی از جمله عوامل اساسی در رشد و توسعه انسان محسوب می شود حق بر سلامتی یکی از بخش های بنیادین حقوق بشر و فهم و درک ما از زندگی با کرامت محسوب می شود. (آجری، بروغنی، ۱۳۹۹: ۷۰) حق برخورداری از بالاترین درجه استاندارد سلامتی حق جدیدی نیست با این وجود هنوز به درستی مفهوم آن تعریف نشده است و به ابعاد متفاوت آن نپرداخته اند. سلامتی یک مفهوم مطلق با یک بینش ثابت نیست، برداشت ما از سلامتی به طور مداوم از مکانی به مکان دیگر و از زمانی به زمان دیگر تغییر می کند بر این اساس تلاش برای تعریفی واحد از سلامتی با مشکلات متفاوتی روبرو می شود که این حرکت ناشی از این مسئله است که تعریف دقیق سلامتی با توجه به شرایط فرهنگی اقتصادی و اجتماعی تغییر می کند.

از طرفی نباید حق بر سلامتی Droit a la sante را با حق سلامتی Droit de la sante اشتباه گرفت. مطالعه حق سلامتی مستلزم برقراری رابطه بین دو موضوع کاملاً متمایز است: حق و سلامتی. سلامتی یک موضوع چند بعدی است و تعریف های مختلفی برای آن عنوان شده است تعریف سازمان جهانی بهداشت سه بعد از سلامتی یعنی جسمی، روانی و اجتماعی را در بر دارد ولی در تعاریف دیگر ابعاد دیگری هم برای آن ذکر شده است. مثل ابعاد روحی، عاطفی، شغلی و سیاسی. ژان ماری اوبی نویسنده کتاب حق سلامتی و اولین کسی که در فرانسه به بررسی حرکت سلامتی پرداخته است با پی بردن به مشکلات تعریف حق سلامتی عنوان می کند که " حق سلامتی شامل تمامی قواعد حقوقی حاکم بر فعالیتهای مربوط به سلامتی است."



نویسنده در ادامه ذکر می کند " این تعریف با توجه به ویژگی بسیار گسترده و پیچیده حق سلامتی ارائه شده است که به واسطه هدف و غایت‌مندی خود قواعد حقوقی بسیار گسترده ای را در بر می گیرد." (Auby ۱۹۸۱)

شاید تعریفی که بیش از تعاریف دیگر برای روشن کردن مفهوم سلامتی استفاده شده است تعریفی است که سازمان جهانی بهداشت در اساسنامه خود آورده است. " سلامتی عبارت است از حالت آسودگی کامل جسمی، اجتماعی و تنها به نبود بیماری یا ناتوانی اطلاق نمی شود" (مقدمه اساسنامه سازمان جهانی بهداشت) همچنین بر طبق اساسنامه سازمان جهانی بهداشت " بهره مندی از بالاترین استانداردهای قابل دسترسی سلامتی یکی از اساسی ترین حقوق برای هر انسان بدون در نظر گرفتن نژاد، مذهب، اعتقادات سیاسی، شرایط اقتصادی یا موقعیت اجتماعی او است. (مقدمه اساسنامه سازمان جهانی بهداشت) بر این اساس " سلامتی به معنی بیمار نبودن یا معلول نبودن نیست بلکه سلامتی بر یک حالت متعادل اجتماعی و ذهنی دلالت می کند که پایه‌های آسایش و رفاه را تشکیل می دهد"

کمیسیون سوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد در زمان نگارش ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی از این تعریف استفاده نکرد با این وجود تعریف " حق هر شخص به بالاترین وضعیت سلامتی فیزیکی و ذهنی قابل دسترس" که در پاراگراف یک ماده ۱۲ آمده است، تنها محدود به مراقبتهای سلامتی نمی‌شود.

برعکس همانگونه که در ادامه ماده عنوان می‌شود هفت بر سلامتی دربردارنده عوامل مختلف اقتصادی- اجتماعی است که می تواند به شرایطی که انسان می تواند از سلامت کامل برخوردار باشد تاثیر بگذارد این عوامل متعدد می تواند به تغذیه مناسب، مسکن، دسترسی به آب آشامیدنی سالم و بهداشتی، سیستم تصفیه مناسب، شرایط کار مطمئن و محیط زیست سالم اشاره کرد. حق بر سلامتی هم به معنی آزادی و هم به معنی حق است. آزادی‌ها شامل حق انسان بر کنترل سلامتی و بدن خود است که از آن جمله می‌توان به حق آزادی و بهداشتی، حق بر کرامت ذاتی و به طور خاص خود را در معرض شکنجه، رفتارهای غیر انسانی و تحقیرآمیز را ندادن میشود. حقوق شامل حق دسترسی به سامانه حمایتی سلامتی است که برای هر کس بر پایه برابری امکان دسترسی به بهترین حالت سلامتی را فراهم می‌کند.

طبق تفسیر شماره ۱۴ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حق سلامتی در هر شکل آن و در تمام سطوح وجود عناصر مستقل و ضروری زیر را می طلبد که اعمال آن در هر کشوری بستگی به مقتضیات آن کشور دارد.

الف) در دسترس بودن:: بایستی در کشور مورد نظر تاسیسات، امکانات و خدمات همچنین برنامه های کاربردی در حوزه سلامتی عمومی و مراقبتهای بهداشتی وجود داشته باشد این تاسیسات، امکانات و خدمات همچنین دربردارنده عناصر بنیادین مشخص کننده سلامتی مثل آب آشامیدنی سالم و بهداشتی و... می باشد.

ب) قابلیت دسترسی:: تاسیسات، امکانات و خدمات بهداشتی باید در دسترس باشد بدون اینکه هیچگونه تبعیضی در این زمینه وجود داشته باشد و در دسترس بودن شامل چهار بعد است که به طور متقابل با هم مطابقت دارند.

عدم تبعیض:: تاسیسات، امکانات و خدمات بهداشتی بایستی در دسترس همگان قرار داشته باشد به ویژه برای آن گروه هایی که آسیب پذیرتر هستند و یا در حاشیه قرار دارند.

در دسترس بودن فیزیکی:: تاسیسات، امکانات و خدمات بهداشتی بایستی از لحاظ فیزیکی در دسترس همگان قرار داشته باشد بدون اینکه خطری آنها را تهدید کند این موضوع به خصوص در مورد گروه های آسیب پذیر مانند زنان، کودکان، اشخاص مسن و... صدق می کند. در دسترس بودن از لحاظ اقتصادی (دست یافتنی بودن): تاسیسات، انات و خدمات بهداشتی باید با قیمتی مناسب در دسترس همگان باشد این قیمت باید منصفانه باشد و برای همگان و به خصوص گروه‌های آسیب‌پذیر قابل دسترس باشد.

در دسترس بودن اطلاعات: دسترسی شامل حق تحقیق کردن، دریافت و گسترش اطلاعات و اندیشه‌های مربوط به سلامتی است با این وجود این حق نمی‌تواند به حق محرمانه داده‌های سلامتی خصوصی آسیبی وارد کند. قابل قبول بودن: تاسیسات،



امکانات و خدمات سلامتی بایستی با قواعد اخلاقی جامعه و مقتضیات فرهنگی کشور متناسب باشد به این معنی که باید و اخلاق فردی، اقلیت ها تمام گروه‌های جامعه احترام بگذارد.

ج) کیفیت: علاوه بر این که تاسیسات، امکانات و خدمات بهداشتی بایستی از لحاظ فرهنگی مورد قبول باشد بایستی از لحاظ دارویی و علمی نیز در سطح قابل قبولی قرار داشته و از کیفیت مناسبی برخوردار باشد.

۴- مفهوم و سیر تحول حق بر سلامت

با نگاه به گذشته تاریخ بشری، همواره دولت ها در راستای بهبود وضعیت سلامت و بهداشت عمومی شهروندان خویش تدابیر لازم را اتخاذ نموده اند، به طوری که برقراری شبکه ی آبیاری یا ساخت انبار آب دو هزار سال پیش از میلاد، نمونه ای از این قبیل اقدامات است. با وقوع انقلاب صنعتی و توسعه ی روابط بین المللی در قرن نوزدهم میلادی، تحولی نوین در حوزه سلامت و بهداشت عمومی ایجاد گردید. بر این اساس حق بر سلامت از زمان ظهور آن در مباحث حقوق بشری ابعاد نظری متعددی به خود اختصاص داده است این که مفهوم و جایگاه چنین حقی در نظام حقوق بین الملل بشر بر چه پایه هایی استوار است، مهم ترین مسئله در این مبحث است بنابراین در این قسمت به بررسی تحلیل مفهومی روند شکل گیری حق بر سلامت در نظام حقوق بین الملل بشری و اسناد بین المللی پرداخته می شود.

۴-۱. مبانی توجیهی حق سلامتی در نظام بین المللی حقوق بشر

بی تردید می توان عنوان نمود که حق های بشری و به ویژه حق های مدنی و سیاسی پیشتر از آن که حقهایی قانونی باشند، ارزشهایی اخلاقی به شمار می روند. از این رو ما از ارزش حیات و حیثیت انسانی صحبت به میان می آوریم. این ارزشهای انسانی آن زمان که وارد قلمرو حقوق موضوعه می شوند، از جنبه های اخلاقی صرف فراتر رفته و قابلیت ادعا و مطالبه می یابند. اینجاست که از حق بر حیات و... صحبت می کنیم. در تحلیل نهایی تمام این حق ها به یک قاعده ی بنیادین به نام حیات انسان ختم می شوند. در واقع تمام حق ها و آزادی ها مقوم ذات حق بر حیات هستند. پر واضح است که به همان اندازه که حقوق مدنی و سیاسی در این زمینه اهمیت دارند، حقوق اقتصادی و اجتماعی نیز دارای اهمیت و تاثیر گذار هستند، چرا که برخورداری از حداقل های بهداشتی، لازمه ی حیات و حیثیت ذاتی انسان به شمار می روند در رابطه با سلامتی باید میان دو مفهوم قائل به تفکیک شد: حق بر سلامتی و حق بر سلام بودن حق بر سلامتی به معنای حق بر سالم بودن نیست. سالم بودن به فقدان بیماری دلالت دارد، اما حق بر سلامتی فراتر از صرف نبود بیماری است و دارای ابعاد مختلف جسمی، روانی و اجتماعی است، حقی است که مستلزم برخورداری از فرصت های برابر برای همه است تا بتوانند از امکانات، تسهیلات، خدمات و شرایط لازم برای تحقق این استاندارد برخوردار شوند (CESCR, 2000: ۹). سالم بودن فقط یک برداشت حداقلی از حق بر سلامتی است و حق بر بهره مندی از عالی ترین استاندارد سلامتی، مجموعه ای از پیش شرط ها و استلزامات را در خود نهفته دارد که لازمه ی تحقق آن می باشند (Bettcher, ۲۰۰۱: ۳۴).

بر این اساس به عبارت بهتر، عدم برخورداری از حداقل هاسلامتی و بهداشت به منزله ی انکار والاترین ارزشهای انسانی است. پس حق بر بهداشت و سلامتی را می توان حقی بنیادین قلمداد کرد. حق بنیادین در نظام حقوق بشر به حقی اطلاق می شود که برای تحقق و بهره مندی از سایر حق ها و آزادی ها ضرورت دارد. (Jhon T, ۲۰۱۲) حال اگر محتوای حق بر سلامتی را با این تعریف بسنجیم، به چنین نتیجه ای خواهیم رسید، چرا که بسیاری از حق ها و آزادی ها بدون برخورداری از سلامتی و بهداشت، بی معنا خواهند بود.

۴-۲. جایگاه حق سلامتی در اسناد بین المللی حقوق بشری

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجان شرقی، مراغه، بلوار شهید درخششی، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۴۱۳۷۲۵۵۸۸۳ - ۰۴۱۳۷۲۵۲۵۰۶-۹ داخلی ۲۲۶ و ۲۲۳



حق سلامتی در اسناد مختلفی در سطح بین‌المللی منطقه‌ای و داخلی به رسمیت شناخته شده است این اسناد حق بر سلامتی را از زوایای مختلف بررسی و جایگاه آن را روشن نموده اند اینک ما به مهمترین آنان می پردازیم

حق سلامتی نخستین بار در اساسنامه سازمان جهانی بهداشت تعریف شد و پس از آن در سال ۱۹۴۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر ماده ایی را به این حق اختصاص داد. اعلامیه در این ماده بر شناسایی حق همگان به برخورداری از یک سطح مناسب زندگی تاکید می کند که شامل سلامتی و رفاه فرد نیز می‌باشد این ماده رابطه بین سلامتی و رفاه را به رسمیت می‌شناسد و همچنین بر رابطه حفظ سلامتی با دیگر حقوق بشر مثل حق مسکن، حق تغذیه و... نیز تاکید می کند.

ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر به این شرح می باشد:

(الف) هر کس حق دارد که سطح زندگی، سلامتی و رفاه خود و خانواده اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبت‌های طبی و خدمات لازم اجتماعی تامین کند و همچنین حق دارد که در مواقع بیکاری، بیماری، نقص عضو، پیری یا در تمام موارد دیگر که به علل خارج از اراده انسان و وسایل امرار معاش او از بین رفته باشد از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار شود.

(ب) مادران و کودکان حق دارند از کمک و مراقبت مخصوصی بهره‌مند شوند کودکان که بر اثر ازدواج و چه بدون ازدواج به دنیا آمده باشد حق دارد که از یک نوع حمایت اجتماعی برخوردار شود.

ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سنگ زیربنای حمایت از حق سلامتی در سطح قانونگذاری های بین‌المللی محسوب می‌شود میثاق موادی را مطرح می کند که قابل اعمال بر کلیه اشخاصی است که در دولت ها تصویب کننده میثاق زندگی می‌کنند.

(۱) کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را به تمتع از بهترین حال سلامت جسمی و روحی ممکن الحصول به رسمیت می شناسد.

(۲) تدابیری که کشورهای طرف این میثاق برای تامین استیفای کامل این حق اتخاذ خواهند کرد شامل اقدامات لازم برای تامین امور ذیل خواهد بود:

- (الف) کاهش میزان مرده متولد شدن کودکان، مرگ و میر و رشد سالم آنها
- (ب) بهبود بهداشت محیط و بهداشت صنعتی از جمیع جهات
- (ج) پیشگیری و معالجه بیماری های همه گیر، بومی، حرفه‌ای و سایر بیماری‌های همچنین مبارزه علیه این بیماری‌ها
- (د) ایجاد شرایط مناسب برای تأمین مراجعه پزشکی و کمک های پزشکی برای عموم در صورت ابتلا به بیماری (ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۹۶۶)

در میان دیگر اسنادی که به حق بر سلامتی اشاره کرده‌ام می‌توان به کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض نژادی اشاره کرد که در ماده ۵ خود اعلام می کند: "دولت‌های عضو این کنوانسیون تعهد می‌کند که حق هر شخصی را به برخورداری از سلامتی، مراقبت‌های بهداشتی، تامین اجتماعی را تضمین کنند" (ماده ۵ کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض نژادی ۱۹۶۵)

در کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان به برابری همگان در حق بر سلامتی بدون هیچگونه تبعیضی اشاره شده است این کنوانسیون در ماده ۱۱ خود اعلام می کند:

(۱) دول عضو کلیه اقدامات مقتضی را به عمل خواهند آورد تا هر گونه تبعیض علیه زنان در اشتغال از میان برود و بر اساس اصل برابری زنان و مردان حقوق مشابه برای آنها تضمین شود به ویژه در موارد زیر:

(ه) حق استفاده از بیمه های اجتماعی به ویژه در دوران پیری و در دیگر موارد از کار افتادگی و نیز حق استفاده از مرخصی استحقاقی.

(و) حق حفظ سلامتی و رعایت ایمنی در محیط کار از جمله حمایت از وظیفه تولید مثل (ماده ۱۱ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹)



علاوه بر اسناد مختلف که به طور مستقیم و غیر مستقیم به حق سلامتی اشاره کرده‌اند در صحن سازمان ملل متحد نیز برنامه‌های متعددی با موضوع حرف ر سلامتی تصویب شده است کمیسیون حقوق بشر و پس از آن شورای حقوق بشر اسناد متعددی را به حق بر سلامتی و حقوق مرتبط با آن اختصاص داده اند از جمله این اسناد میتوان قطعنامه دسترسی به دارو (۳۲/۲۰۰۲) و قطعنامه حقوق معلولین (۶۱/۲۰۰۲) به حق سلامتی اختصاص داده شده است و شورای حقوق بشر در سال های اخیر به طور تخصصی تر موضوع حق بر سلامتی را مورد بررسی قرار داده است و قطعنامه های متعددی را در این مورد صادر کرده است.

در اسناد پایانی کنفرانس های متعددی در سازمان ملل متحد چشم اندازهای قابل دسترسی در مورد حق بر سلامتی ذکر شده است این کنفرانس ها که به تب مشکلات جهانی را در رشته برنامه های سازمان های بین المللی قرار داده اند به مشکلات مربوط به حق سلامتی مانند اچ آی وی به طور ویژه توجه کرده اند این اسناد پایانی بر تصمیم گیری های بین المللی و ملی در حوزه حق سلامتی تاثیر گذار بوده اند و بسیاری از آنها حفظ سلامتی حقوق مربوط به آن و مشکلات سلامتی توجه داشته اند. (محمود عباسی، ۱۳۹۴: ۱۳۷)

۵- مولفه های بنیادین حق بر سلامتی

مهم ترین مولفه های حق بر سلامتی را می توان در چهار سطح مورد بررسی قرار گیرد. نخست: حق بر سلامتی حقی فراگیر و عام الشمول است، آنچنان که هر زمان که از سلامتی صحبت می شود، اولین و ابتدایی ترین مفهومی که از آن به ذهن متبادر می شود، دسترسی به مراقبت های بهداشتی و مراکز بهداشتی و درمانی است بدون شک مراقبت های بهداشتی اولیه و ضروری و در اختیار داشتن این امکانات، عنصری مهم در تحقق حق بر سلامتی هستند، اما در کنار آن ها عناصر دیگری نیز وجود دارند که در راه نیل به حصول کامل حق بر عالیترین استاندارد سلامتی جسم و روان، اهمیتی مضاعف دارند که کمیت از آن ها تحت عنوان بنیادهای تعیین کننده ی سلامتی یاد می کند از جمله این بنیادها می توان به غذای کافی و مقوی محیط زیست سالم و پاک، آب آشامیدنی بهداشتی و سالم، محیط کاری ایمن و دسترسی به داروهای اساسی اشاره کرد.

دوم: حق بر سلامتی متضمن یکسری آزادی هاست در این مفهوم آزادی به این معناست که هیچ کس نباید بدون رضایت خود تحت انجام آزمایش ها یا مداخلات پزشکی اجباری قرار گیرد پیشرفت های علمی که در زمینه ی بهداشت و درمان و مسائل پزشکی صورت می گیرد، در کنار منافع آن، می تواند آثار منفی بر سلامتی انسان نیز داشته باشد، و به ویژه آن گاه که انسان، موضوع انجام انواع آزمایش های بالینی برای ارزیابی میزان کارایی داروها و شیوه های درمانی جدید قرار می گیرد. هر گونه آزمایش و تحقیق پزشکی اجباری می بایست ممنوع شمرده شود و رضایت فرد در هر مورد باید از قبل اخذ شود. با استناد به ماده ی ۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی که اشاره داشته «هیچ کس نباید به شکنجه و رفتارها و مجازات ظالمانه و غیر انسانی محکوم شود به ویژه این که هیچ فردی نباید بدون رضایت خود محکوم شود که تحت آزمایش علمی و پزشکی قرار گیرد» می توان عنوان داشت که اقدامات یا آزمایش های پزشکی اجباری و تحمیلی بسان شکنجه یا دیگر رفتارهای غیر انسانی ظالمانه و تحقیر کننده به شمار می روند در نتیجه واضح است که به نام پیشرفت علم و دانش نمی توان آموزه های بنیادین حقوق بشری که ریشه در حیات و سلامت انسان ها و توجه به حیثیت ذاتی او دارد نادیده گرفت (تفقدی زار، ۱۳۹۷: ۲۰۹)

نتیجه گیری

بی تردید حق بر سلامتی به معنای فقدان بیماری نیست بلکه شامل رفاه و آسایش در تمام ابعاد جسمانی، روانی، اجتماعی و حتی معنوی می باشد این حق بنیادین بشری به عنوان یکی از مولفه های کرامت انسانی شناخته می شود که در نظام بین المللی



حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. حق بر سلامتی به واسطه پیوند ناگسستنی که با حیات انسان دارد، شایسته ی توجه بسیار است. بر این اساس در اسناد بین المللی از حق بر سلامت به عنوان شرط لازم در جهت توسعه پایدار جوامع بین المللی و گسترش صلح عنوان شده است و برای تحقق این مهم انتفاع تمام افراد از امکانات و خدمات سلامت و بهداشت ضرورت دارد. بر این اساس الزام دولتها به رعایت حق دسترسی جوامع بشری به سلامت در اساسنامه ها و منشورهای جهانی مشهود است و این گواه بر این مدعا است که حق بر سلامتی حقی جهانشمول است که تمامی دولت ها موظف هستند در جهت ارتقای این حق چه در ارتباط با شهروندان و غیر شهروندان خود گام های موثری بردارند.

منابع

- آجری آیسک، عاطفه، بروغنی، نازنین زهرا (۱۳۹۹) نقض حقوق بشر و عملکرد دولت های غربی در مدیریت ویروس کرونا (مطالعه موردی ایالات متحده و کشورهای اروپایی)، پژوهش نامه حقوق بشری، شماره ۲۰، تابستان
- آل کجیاف، حسین (۱۳۹۲) مفهوم و جایگاه حق بر سلامت در اسناد بین المللی حقوق بشر، فصلنامه ی حقوق پزشکی، سال هفتم، شماره بیست چهارم، بهار
- تفتدی زارع، سمیه (۱۳۹۷) بررسی ابعاد حقوقی حق بر سلامت در حقوق بشر، سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، دوره ۲، شماره ۲.
- جاوید احسان، نیاورانی، صابر (۱۳۹۲) قلمرو حق سلامتی در نظام بین الملل حقوق بشر، فصلنامه ی پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۴۱، زمستان
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۶۳)، ترمینولوژی حقوق، تهران: بنیاد راستا.
- داودی، رشید، (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی آزادی در اعلامیه جهانی حقوق بشر با حقوق بشر اسلامی و قانون اساسی ایران، قابل دسترسی در سازمان دفاع از قربانیان خشونت.
- ذاکریان امیری، مهدی (۱۳۸۰)، فرآیند اتحادیه اروپا، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
- زمانی، سیدقاسم (۱۳۸۵) "شبه سازی درمانی و حق بر سلامتی در قلمرو حقوق بین الملل بشر" فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۹
- ساعد، نادر. (۱۳۸۳) تأملی بر ساختار قانونی حقوق بنیادین شهروندی با تأکید بر وجاهت آن در قانون اساسی، نشریه اطلاع رسانی حقوقی بهمن و اسفند، ش ۸.
- ضیایی، یاسر، «تحریم اقتصادی یکجانبه ایالات متحده امریکا علیه ایران از منظر حقوق بین الملل»، بی تا.
- طباطبائی، علامه محمدحسین (۱۳۶۶)، تفسیر المیزان، دوره ۲۰ جلدی، نشر جامعه مدرسین، قم.
- عباسی، محمود، غزاله، دهقانی، رضایی، راحل (۱۳۹۴) الزامات حقوقی اسناد بین المللی در قبال بهداشت و سلامت عمومی و چالش های فراروی آن، فصلنامه علمی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، دوره ۳۳، شماره ۲،
- عباسی محمود، رضایی راحله، دهقانی غزاله (۱۳۹۳) مفهوم و جایگاه حق بر سلامت در نظام حقوقی ایران. مجله علمی پژوهشی حقوق پزشکی. دوره ۸، شماره ۳۰
- محمودی، عبدالحسین (۱۳۸۵) حقوق بشر و چالش های فرارو، قم: نجم الهدی
- Auby. Le droit de la sante. pari PUF. ۱۹۸۱
- <http://yaserziaee.blogfa.com/post-۸.aspx>
- CESCR, (2000), "The Right to the Highest Attainable Standard of Health", General Comment No.14.



- Bettcher, Douglas W, Yach, Dreck & Guindon, G. Emmanuel,(200¹), “Global Trade and Health: Key Linkages and Future Challenges”, Bulletin of The World Health Organization, Vol.78 , No.4.
- Jhon T. The Right to Health in International Law. Oxford: Oxford University Press; 2012. p.173.



Explaining the Legal Dimensions of the Right to Health from the Perspective of Human Rights

Negar Khodaei Nejad

M.A Student, Fiqh & Fundamentals of Islamic Law, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran

negarxodaie@gmail.com

Reza Zamani

Graduated from Master's Degree, Fiqh & Fundamentals of Islamic Law, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran

Rezazamani1605@gmail.com

Jafar Arjamand Danesh

Assistant Professor, Department of Jurisprudence & Fundamentals of Islamic Law, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran (Corresponding Author)

Ja_danesh@yahoo.com

Abstract

Background & Purpose: health and the right to enjoy the highest attainable standards of health or the right to health is one of the most important human rights, which has always been emphasized in human rights documents.

Research Method: In the current research, the author intends to investigate and analyze the legal aspects of the right to health from the perspective of human rights and international documents using the descriptive-analytical method and with the help of library tools.

Findings: The enjoyment of physical, mental, social and spiritual health should be available to all members of the society, because the enjoyment of healthcare services aimed at promoting, maintaining and ensuring the health of people is recognized as a fundamental pillar in the direction of the progress of international societies.

Conclusion: It is very clear that personal health is considered as one of the most important components of the dignity of every human being. Therefore, the right to health is recognized as one of the basic human rights in the international human rights system. As the right to health has a strong position in human rights documents and international custom and it can be considered as one of the accepted general principles of developed legal systems, this right is considered as one of the second generation rights of human rights

Keywords: Right to Health, Fundamental Rights, Human Rights, International Documents